

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیب
۲۶ مارچ ۲۰۱۰

شیوه ای از نقد ادبی

(بخش چهارم)

رسالت و هنر

مقوله هنر برای هنر را که بیشتر از يك سده پیش مطرح گردیده است، شاعران و نویسندگان متعددی، در دوره های متفاوتی به عنوان راه و روش ادبی خویش پذیرفته اند. هدف اکثر فرهنگیان، یاری جستن از شیوه ادبی مذکور به مثابه یک توجیه یا پندار اغلب این بوده است، تا از خواسته های سیاسی یا اجتماعی معینی که در دوران آنها بارز گشته اند بی درد سر تر طفره بروند و تنها "بیافرینند".

نظریه هنر برای هنر که تنوفیل گوئیه Theophile Gautier ۱۸۷۲-۱۸۱۱ میلادی، نویسنده فرانسوی یکی از پیروان مهم آن میباشد و در اواخر سده نهم میلادی در اروپا طرفداران زیادی داشت، به مثابه واکنش و عرصه مقاومتی در برابر کلیسا و حکومت های آن دوره نیز که میخواستند هنر را کاملاً در خدمت خویش قرار بدهند بیان و بزرگداشت شده است. در واقعیت امر، مهمترین نکته علت طرح مسأله، احساس آزادی و رهائی هنر از زیر قید و بند حکومتها و دولتمداران آن زمان بوده است.

فرهیختگان آن دوره تلاش می ورزیدند تا بدینوسیله اسیر و تابع سیاست و معیارهایش نشوند و همچنان از امر و نهی شاه، وزیر و کلیسا در امان مانده باشند. هنرمند هم به نوبه خویش هر جائی که نخواست است اثرش را قید آمال و توقعات زورمندان و یا نیازهای اجتماعی بنماید، به گونه ای در برج عاج "هنر برای هنر" پناه برده است، تا بتواند از فراز آن غایت هنر را در هنر بنگرد.

برج عاج که در تشبیه زیبایی گردن "محبوبه" در باب هفتم کتاب غزل غزل های سلیمان "عهد عتیق" آمده و از آنجا گویا در مورد هنر نیز به عاریت گرفته شده، نخستین بار در نقد ادبی توسط سنت بو- Sainte Beuve ۱۸۰۴-۱۸۶۹ میلادی معروف به کدخدای نقد ادبی در رابطه با شاعر رومانیک سده نهم فرانسه الفرد دوینی Alfred de Vigny ۱۷۹۷-۱۸۶۳ میلادی استفاده گردیده است.

ویرجینیا وولف Virginia Woolf ۱۸۸۲-۱۹۴۱ میلادی، نویسنده معروف انگلیس اولین کسی بود که این "برج عاج" را درجه بندی نمود. وی برج عاج پیش از جنگ جهانی اول را، راست و قائم نام میگذارد که شاعر نشیمن در آن، به جز اطرافیان خودش، چیز دیگری را روشن و درست نمی بیند.

وولف، برج عاج بین دو جنگ جهانی را خم و متمایل دسته بندی میکند و می افزاید به همین دلیل است که جایگزینان چنین برج خمیده ای با وجود کوششهای جدی برای جدایی هنر خویش از اوضاع و احوال زمان، دید گسترده تری به خارج و دور و بر نیز میداشته باشند. به نظر وی، چون این برج متمایل عاج به واقعیت نزدیکتر شده است، بازتاب و فریاد همان عصر در آثار گروه پیروان هنر برای هنر، هم کم و بیش رساتر بچشم می خورد.

در جریان جنگ جهانی دوم و مدتی بعد از آن، شکست فاشیسم و تغییر نظم سیاسی - اجتماعی در قاره اروپا، رسالت هنری با تعیین تعریف تعهد و التزام، دیگر مجالی برای بروز کامل و ناب هنر برای هنر نمی داد. این رسالت فرهنگی زمان حتی موجب گردید تا هنر در خدمت قدرتها و اندیشواره ها نیز قرار بگیرد. نویسندگان و شاعران زیادی در آفرینشهای خویش چنین پیامی را که دربرگیرنده ایدیولوژیها بوده است، بازتابگر گشته اند.

در چنین زمانی معیارهای ارزش سنجی هنر بگونه دیگری تعریف میشدند. حتی "توماس من" Thomas Mann (۱۸۷۵-۱۹۵۵ میلادی) نویسنده معروف آلمان که در زمان سلطه فاشیسم در کشورش مجبور به ترک زادگاه خود گردیده بود، در سال ۱۹۴۵ میلادی نگاشت، همه کتابهای چاپ شده بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ میلادی در آلمان با بوی خون و ننگ لکه دار می باشند.

قابل یادآوریست که همین "توماس من" در سال ۱۹۳۶ میلادی طی نامه ای عنوانی نویسندگان آلمانی مهاجر در غربت نوشت، نباید آنقدرها و به کسانی که در آلمان نازی باقی مانده اند و یا مجبور به زندگی در آنجا هستند با دید بی احترامی نگریست. البته هدف "توماس من" نویسندگان باقی مانده در آلمان بودند.

گاهی ازار متفاوت سیاست و هنر چنان به هم آمیختند و درهم شدند که کوشش به عمل آمد تا هنر به سطح ابزار سیاسی و اندیشه واری تنزیل یابد. جدا از این آزمونها تاریخی و فرهنگی بیشتر نشانگر آن بوده اند که هر زمانی دست اندرکاران قدرت و زور از جدائی هنر و سیاست سخن گفته اند، حفظ و گسترش منافع سیاسی شان اصل مهم و هدف اساسی و نهائی آنها بوده است.

از دوران شگوفایی نظریه "هنر برای هنر" که یکی از هدف هایش منزه نگه داشتن این بخش فرهنگ در آن زمان بود، مدتها سپری گشته است. جهان امروز و نقد ادبی معاصر، هنر و جامعه را از هم تفکیک نمی کند؛ همچنانکه هنرمند و اثرش را از یکدیگر جدا ارزیابی نمی نماید.

در تعریف رسالت ادبیات کنونی انسان، طبیعت و جامعه سرعنوان و متن آفرینشهای هنری قلمداد گردیده اند. کار هنری امروز به درجه نخست عملی انسانی پنداشته می شود که والاترین آمال از وجدان نا آرام هنر، محاکمه دیروزها و امروزها بنام فرداهاست. از یاد نبریم، همان ویکتوردهوگوئی که فریاد میزد "آری صد بار میگویم هنر برای هنر!"، با نگاشتن "بینوایان" یکی از شاهکارهای جاودانه ادبیات را به جهان ارزانی داشت.

هم "هنر برای هنر" و هم "تعهد و التزام" به عنوان دو روش ادبی با ویژگی های رسالت خویش، در شرایط معینی از گذرگاه تاریخ، برخوردار حقانیت خود بوده اند و در آینده نیز همچنان مقام مناسب خویش را با غنای فرهنگی شان در جهان هنر و ادبیات حفظ خواهند نمود.